

## شناسایی بازیگران غیردولتی در درگیری‌های نظامی سوریه

سید قاسم زمانی\*

سورنا زمانیان\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۶

### چکیده

آغاز سال ۲۰۱۱ در خاورمیانه همراه با جنبش‌های اعتراضی مردم به سیاست‌های سران دولت‌های عربی بود. موضوعی که سوریه هم از آن مستثنا نگردید. اما با فروکش نمودن این موج در اکثر کشورهای خاورمیانه و صرف‌نظر از میزان موفقیت‌های به دست آمده؛ اوضاع در سوریه به شکل دیگری رقم خورد که ماحصل آن ۵ سال جنگ با بر جای گذاردن صدها هزار کشته و زخمی و میلیون‌ها آواره و پناهجوی سوریه در کشورهای همسایه و همچنین حوزه اتحادیه اروپا است. درگیری‌های نظامی مستمر که از اوت ۲۰۱۱ به بعد در این کشور شکل گرفت و ظهور گروه‌های معارض با دولت، اعم از تروریستی یا غیرتروریستی و همچنین تسلط آنها بر بخش‌هایی از قلمرو سرزمینی آن کشور، بررسی مقوله شناسایی بازیگران غیردولتی را موضوع و هدف این تحقیق قرار داده است.

### کلید واژگان

خاورمیانه، سوریه، درگیری‌های نظامی، بازیگران غیردولتی، شناسایی.

---

\* دانشیار حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی.

drghzamani@gmail.com

\*\* دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی.

suzamaniaan@hotmail.com

### مقدمه

پس از آغاز اعتراضات مردمی در واپسین ماه‌های سال ۲۰۱۰ در تونس که منجر به سقوط حکومت زین العابدین بن علی گردید، تب تغییرات بنیادین سیاسی و اجتماعی با به راه افتادن جنبش‌های اعتراضی مردم خاورمیانه نسبت به سیاست‌های دولت‌های عربی بالا گرفت. تبعاً سوریه هم از این امر مستثنا نبوده؛ لکن به دلیل شدت وخامت اوضاع ناشی از بروز و ظهور گروه‌های معارض و درگیری‌های نظامی مستمر با ارتش و نیروهای امنیتی دولت سوریه و مداخلات مستقیم و غیر مستقیم دول ثالث له یا علیه هر یک از طرفین باعث شد تا به اصطلاح موج جنبش‌های مردمی در خاورمیانه، لااقل در سوریه به شکل طوفانی مهیب و مخرب چهره نامبارک خود را عیان سازد.

متأسفانه در طول ۵ سال درگیری در سوریه و با برجا گذاردن حدود نیم میلیون کشته و مجروح و معلول و میلیون‌ها آواره و پناه‌جو سوری و تخریب اکثر قریب به اتفاق زیر ساخت‌های اقتصادی آن کشور، نه تنها شاهد فروکش کردن این طوفان دهشتناک نبوده، بلکه هر روز ابعاد جدیدی از فجایع انسانی آن برملا می‌گردد.

با عنایت به بیانیه اعلان موجودیت ارتش آزاد سوریه در ژوئیه ۲۰۱۱ به فرماندهی سرهنگ ریاض الاسعد و سپس اعلان موجودیت گروه معارض جبهه النصره در سال ۲۰۱۲ و در تعاقب آن، دیگر اعلان موجودیت‌های صورت گرفته توسط گروه‌های مسلح مخالف دولت و اوج‌گیری نبرد میان دولت و مخالفین، دولت را با یک مخاصمه غیر بین‌المللی در بدو امر و در طول سال ۲۰۱۲ مواجه می‌سازد، لکن با بروز و ظهور گروه‌های تروریستی و مداخلات مستقیم و غیر مستقیم دولت‌های دیگر به نفع هریک از طرفین، لااقل از سال ۲۰۱۳ ابعاد جدیدی به ماهیت درگیری‌های نظامی در سوریه بخشید و آن را تبدیل به یک مخاصمه حداقل بین‌المللی شده، می‌نماید.

هدف تدوین و تحریر این مقاله شناسایی حقوق متصوره برای بازیگران غیر دولتی در عرصه نظامی سوریه می‌باشد که بنابر همین هدف با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی، مسئله قابل طرح در این مقاله بحث شناسایی بازیگران غیردولتی اعم از گروه‌های تروریستی و غیر تروریستی و بررسی عملکرد این گروه‌ها با توجه به ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو.

این مقاله در دو قسمت شامل قسمت اول: گروه‌های مخالف غیر تروریستی و قسمت دوم: گروه‌های مخالف با مشی تروریستی و سپس نتیجه‌گیری خواهد بود.

### ۱. گروه‌های مخالف غیر تروریستی در سوریه

از آنجا که، مخاصمه مسلحانه در سوریه ماهیتاً در قلمرو سرزمینی یک دولت میان گروه‌های مسلح شورشی با دولت مرکزی در جریان است، صرف‌نظر از مداخلات دول ثالث؛ چه بر اساس معیار کنترل مؤثر بوده و چه بر اساس معیار کنترل کلی به‌عنوان معیارهای پذیرفته شده در رویه قضایی بین‌المللی باشد؛ ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در وهله اول به‌عنوان اساس کار مدنظر خواهد بود. زیرا، در بند پایانی ماده مرقوم چنین اعلام شده که: اجرای مقررت فوق اثری در وضع حقوقی متخاصمین نخواهد گذاشت.

اکنون پرسش اینجا است، منظور از وضع حقوقی متخاصمین چیست و این شناسایی چه آثار حقوقی را به‌دنبال خود خواهد آورد؟ وضعیت حقوقی متخاصمین باز می‌گردد به شناسایی یا عدم شناسایی گروه‌های مسلح شورشی که در مخاصمه با دولت مرکزی قرار دارند. لازم به ذکر می‌باشد که چه دولت درگیر این شناسایی را بپذیرد یا نپذیرد، اجرای حداقل حقوق ذکر شده در ماده ۳ مشترک در یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی الزامی است. از سوی دیگر در رویه قضایی بین‌المللی به‌ویژه در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن حقوقی سازمان ملل، در قضیه تنگه کورفو<sup>۱</sup> و قضیه نیکاراگوئه<sup>۲</sup> به این موضوع صحه گذارده است. بنابراین ذکر این نکته ضروری است که بحث ما مربوط است به گروه‌های مسلح شورشی، و نه سایر گروه‌های مخالف که مشی مبارزاتی مسلحانه در قبال دولت سوریه ندارند.

1. ICJ Reports (1949), Corfu Cannel Case, (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania), p 22.

2. ICJ Reports (1986), Case Concerning the Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua. (Nicaragua v. United States) p104.

انستیتوی حقوق بین‌الملل هم در قطعنامه (اجرای حقوق بین‌الملل به‌ویژه حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه‌ای که گروه مسلح غیردولتی در آن شرکت دارند) مصوب اجلاس برلین در سال ۱۹۹۹، از ماده ۳ مشترک به‌عنوان (اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه) یاد کرده است.<sup>۱</sup> حال با این مقدمه اجمالی باید گفت، مخالفت‌های سیاسی و نظامی در حوزه صلاحیت دولت دارای حاکمیت، اغلب به درگیری مسلحانه گسترده با شورشی‌هایی منجر خواهد شد که توانسته‌اند کنترل بخش کوچکی از قلمرو ارضی کشور را در دست بگیرند و یک ساختار اجرایی<sup>۲</sup> ایجاد کنند، که می‌تواند بر اشخاصی که در آن بخش زندگی می‌کنند، به‌گونه‌ای مؤثر اعمال اقتدار نمایند؛ هنگامی که چنین امری روی دهد عموماً گروه شورشگر مدعی به رسمیت شناخته شدن به‌عنوان یک تابع بین‌الملل می‌شود.<sup>۳</sup>

برخورد دولت‌ها با شورشیان در سه شکل عمده به منصفه ظهور رسیده است، اول اینکه، مقررات جاری برای اینکه شورشیان بتوانند در سطح بین‌المللی، از شخصیت حقوقی برخوردار شوند، نسبتاً نابسامان و ابتدایی می‌باشد. دوم آنکه، وجود شورشیان به‌عنوان اشخاص حقوقی در سطح بین‌المللی، تا حدودی به نظر سایر تابعان بستگی دارد، از جنبه نظری، اگر تمامی اعضای جامعه بین‌المللی تصمیم بگیرند که طرف شورشی فاقد شخصیت لازم است، آن طرف دیگر در موقعیت اعمال حقوق و انجام تعهدات معطوف به موقعیت بین‌المللی خود قرار نخواهد گرفت؛ هرچند که می‌تواند بر بخشی از قلمرویی که به یک کشور تعلق دارد، مدت‌ها حاکمیت مؤثر و قوی اعمال نماید، مثل: گروه طالبان در افغانستان تا قبل از حمله نیروهای ائتلاف در سال ۲۰۰۱، در هر صورت شکی نیست که به رسمیت شناختن شورشیان توسط دیگر دولت‌ها در مقایسه با ایجاد

۱. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین؛ **حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی**، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۴۴.

2. Operational Structure.

۳. کاسسه، آنتونیو؛ **حقوق بین‌الملل** به اهتمام: شریفی طراز کوهی، حسین، تهران، نشر میزان، چ سوم، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷.

دولت‌های جدید و شخصیت حقوقی آنها می‌تواند نقش مهم‌تری را ایفا نماید. سوم اینکه قواعد بین‌المللی عمومی با کمبود در این زمینه روبه‌رو می‌باشد.<sup>۱</sup>

همچنین باید گفت ویژگی مهم گروه‌های شورشی، وضعیت موقت آنها می‌باشد. دلیل آنکه، یا حکومت، شورشیان را سرکوب می‌سازد و آنها را نابود می‌نماید، یا آنها قدرت را تصاحب نموده و حکومت را ساقط می‌کنند و یا از حکومت مرکزی جدا می‌شوند و به یک کشور دیگر می‌پیوندند و یا به یک تابع جدید در حقوق بین‌الملل تبدیل می‌گردند. بنابراین آنها نمی‌توانند خواستار حقوقی شوند که خاص تابعان حقوق بین‌الملل تلقی می‌گردد. به این ترتیب شورشیان در این میان از هیچ‌گونه حق حاکمیتی بر قلمروی تحت کنترل خود برخوردار نیستند؛ یعنی آنها نمی‌توانند قانوناً آن قلمرو یا بخشی از آن را به یک تابع دیگر حقوق بین‌الملل واگذار نمایند، آنها تنها بر آن قلمرو صلاحیت بالفعل<sup>۲</sup> اعمال می‌کنند. گرچه شورشیان تابعانی شبیه دولت<sup>۳</sup> هستند، ولی از دو جهت ظرفیت بین‌المللی محدودی دارند، اول اینکه، آنها دارای حقوق و وظایف بین‌المللی محدودی بوده و دوم اینکه، تنها با تعداد اندکی از دولت‌هایی که آنها را واجد شرایط لازم برای احراز شخصیت بین‌المللی دانسته و ارتباط برقرار کرده‌اند، همکاری می‌نمایند.<sup>۴</sup>

دلیل آنکه در گذشته به وضعیت شورشیان در منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی توجهی نمی‌شد، به دو دلیل بوده: اول اینکه حقوق جنگ چه قراردادی و چه عرفی، زمانی شکل گرفت که پارادایم حقوق بین‌الملل موجود در جامعه بین‌المللی، شناسایی روابط میان دولت‌ها بوده است. این دیدگاه که تنها بازیگران اصلی جامعه بین‌الملل، کشورها هستند، حاصل واقعیت حاکم پس از جنگ‌های سی ساله اروپا و اندیشه‌های هابس و ماکیاولی بود. در این زمان جنگ‌های درون مرزی در صلاحیت حاکمیت‌ها تلقی می‌شد و دیگر کشورها را حق مداخله در آن نبود. دوم اینکه، مبارزان غیردولتی را عده‌ای از شهروندان می‌دانستند که با تخطی از قانون تبدیل به دسته‌ای

۱. همان، ص ۱۴۱-۱۴۲.

2. De Facto.

3. State- Like.

۴. همان، ص ۱۴۳.

مجرم و متمدن شده‌اند و لذا هیچ بهره‌ای از امتیازات ناشی از یک مبارز یا نظامی ندارند. اولین بار به موجب کد لیبر توسط پروفیسور لیبرمن در سال ۱۸۶۳ در خلال جنگ‌های داخلی آمریکا او توانست با تدوین یک سری قواعد حمایت‌هایی را از شورشیان درگیر در مخاصمه به عمل آورد؛ هرچند این قواعد، شورشیان را به‌طور ضمنی مورد شناسایی قرار داد اما شرط اصلی از برخورداری این حقوق را شرکت آنها به‌طور سازمان یافته، مستمر و بدون خیانت جنگی اعلام نمود که در این موارد شورشی بازداشت شده، اسیر جنگی تلقی می‌شد.<sup>۱</sup>

باید توجه داشت که تا پیش از مباحث مربوط به کنوانسیون‌های چهارگانه از نظر دولت‌ها غیرنظامیان مسلح بسیار خطرناک‌تر از نظامیان مسلح بودند، زیرا، غیرنظامیان برخلاف نظامیان از هیچ قاعده‌ای پیروی نمی‌نمودند. اما از سوی دیگر پیروزی شورشیان منوط به عملکرد آنها به همین شیوه بود؛ بنابراین نهادهای بشردوستانه به دنبال کسب امتیاز برای حمایت از طرف شورشی در مخاصمات بودند نه حمایت از دولت متخاصم.<sup>۲</sup>

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد به محض تکمیل شدن شرایط عینی مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، ماده ۳ مشترک قابل اجرا می‌شود و شناسایی شورشیان برای دول عضو کنوانسیون‌های چهارگانه در اختیار آنها نیست. وجود مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی عموماً به معنای وجود و حضور شورشیان می‌باشد و در این صورت دول عضو مکلف به اجرای مفاد ماده ۳ می‌باشند.

ماده ۳ مشترک به نحوی وضعیت حقوقی عینی را برای شورشیان در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در نظر می‌گیرد. پس فقدان تعریفی از مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در ماده ۳ نمی‌تواند موجب نفی و تکذیب وجود این مخاصمات گردد. به‌علاوه پذیرش خدمات ارائه شده به دولت‌ها (در اینجا دولت مرکزی در مقابل شورشیان) می‌تواند به منزله قبول و تأیید ضمنی یک طرف مخاصمه بر وجود آن مخاصمه باشد. در هر صورت نه ارائه خدمات در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و نه پذیرش الزامی نیست و اگر دولتی خدمات عرضه شده توسط کمیته بین‌المللی

۱. ضیایی، سیدياسر؛ **جدایی طلبی در حقوق بین‌الملل**، تهران، انتشارات شهردانش، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴.

2. Canestaro, Nathan A. (2004) "Small Wars and the Law: Options for Prosecuting the Insurgent in Iraq", *Colombia Journal of International Law*, No.43, p 84.

صلیب سرخ را پذیرفت، نه تنها به وسیله موافقتش وجود مخاصمه غیر بین‌المللی را به صورت ضمنی پذیرفته، بلکه آن دولت بخشی از ماده ۳ مشترک را رعایت و به مرحله اجرا گذارده است.<sup>۱</sup> در خصوص مخاصمه در سوریه با توجه به صدور قطعنامه‌های شورای امنیت به شماره ۲۰۴۲ در ۱۴ آوریل ۲۰۱۲ و شماره ۲۰۴۳ در ۲۱ آوریل<sup>۲</sup> همان سال اعزام ناظران بین‌المللی و صلح‌بانان بدون سلاح و مداخله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در امدادسانی که در مقطعی با موافقت و همکاری دولت سوریه صورت پذیرفت، در حقیقت دولت سوریه وجود مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی و به تبع آن وجود گروه‌های مسلح مخالف را تأیید می‌کند.

تا قبل از تدوین کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ شناسایی مخاصمه از جانب حکومت قانونی باعث لازم‌الاجرا شدن تمامی مقررات مربوط به حقوق در جنگ میان آن کشور و شورشیان می‌شد و شناسایی از جانب کشور ثالث نیز باعث می‌گردید که حقوق بین‌الملل عرفی در باب بی‌طرفی میان آن کشورها و طرفین مخاصمه قابلیت اعمال پیدا کند، اما چون این شناسایی وابسته به صلاحدید حکومت درگیر در منازعه بود، به ندرت صورت می‌گرفت.<sup>۴</sup>

در سال ۱۹۴۸ در کنفرانس بین‌المللی استکهلم و در زمان ارائه طرح کنوانسیون‌های چهارگانه، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ماده ۳ پیشنهادی رعایت مقررات کنوانسیون در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی از جمله جنگ‌های داخلی، مستعمراتی و مذهبی را پیش‌بینی نموده بود. اما این طرح دستخوش تغییر گردیده و به‌خصوص سه مخاصمه فوق از آن حذف گردید. کمیته مشترکی که مسئول مطالعه طرح ماده ۳ بود، به دو گرایش فکری تقسیم شد که منعکس‌کننده جدال میان دو بحث حاکمیت دولت‌ها و موضوعات مربوط به حقوق بشر بود. در این بین،

۱. رضانی قوام آبادی، محمدحسین؛ نقش کمیته صلیب سرخ در شکل‌گیری یا شناسایی قواعد عرفی مربوط به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹، صص ۵۸ و ۵۹.

۲. S/RES/2042, 14 April 2012.

۳. S/RES/2043, 21 April 2012

۴. هنجنی، سیدعلی و شفیع بافتی، نگین؛ ابعاد حقوقی بین‌المللی مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۹۳.

طرفداران حاکمیت، مخالفت صریح با متن ارائه شده، نمودند زیرا، آن را خطری برای حاکمیت دولت‌ها می‌دانستند.<sup>۱</sup>

در نهایت ذکر طرفین مخاصمه که منعکس کننده عدم تمایل هیئت‌های نمایندگی در خصوص شناسایی یا اعطای وضعیت قانونی به شورشیان بود، حذف شد. به گفته پروفیسور ابی صعب: پروتکل به مثابه مجموعه‌ای از دستورات خوانده می‌شود که منحصرأً حکومت‌ها را مورد خطاب قرار داده است و تنها آنها را صاحب تعهدات یک‌جانبه می‌داند.<sup>۲</sup>

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای تشخیص مخاصمه مسلحانه اصیل و تفکیک آن از وضعیت‌های چون راهزنی صرف و یا شورش‌های سازمان نیافته و کوتاه مدت، معیارها و ضوابطی را برشمرده که الزام‌آور نیستند؛ ولی می‌توانند به مثابه یک راهنما عمل کنند. مهم‌ترین این معیارها برای بحث شناسایی شورشیان که به‌طور غیر مستقیم از آن می‌توان از مجموع ۴ معیار مندرج در ضوابط راهنما بهره برد، عبارتند از: ۱. طرفی که علیه حکومت رسمی دست به شورش زده است، دارای یک نیروی مسلح سازمان یافته باشد و صاحب یک مقام مسئول برای فرماندهی اقدامات در قلمرو سرزمینی تحت کنترل خود بوده و وسایل کافی برای تضمین رعایت قواعد بشردوستانه مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه را در اختیار داشته باشد. ۲. حکومت قانونی ناگزیر از توسل به نیروی نظامی منظم خود علیه شورشیان سازمان یافته‌ای شود که بخشی از قلمرو سرزمین ملی را به تصرف خود درآورده‌اند. ۳. حکومت رسمی، شورشیان را به‌عنوان طرف متخاصم شناسایی کرده باشد یا اختلاف موجود میان طرفین به‌عنوان مصداق تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی بوده و در دستور کار شورای امنیت قرار گیرد. ۴. نیروهای مسلح مخالف صاحب سازمان و تشکیلاتی باشند که آماده ایجاد یک دولت بوده و التزام خود به رعایت مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را اعلام نموده باشند.<sup>۳</sup>

1. Moir, Lindsay, "The Law of Internal Armed Conflict", Cambridge University press, 2004, p 24.

2. Moir, Op. Cit. , p 95.

3. ICRC, Commentaries on the Common Article three of Four Geneva Convention, 1949, Op. Cit., pp 49-50.



بنابراین بحث شناسایی شورشیان موجب پدیدار شدن آثار حقوقی برای بازیگران غیردولتی می‌شود، که همان رعایت حقوق بشردوستانه است، هراس دولت‌ها از اینکه مبدا اجرای مقررات بشردوستانه تغییری در وضع شورشیان بدهد و موجب شناسایی آنها بشود، باعث شد تا در کنفرانس‌های تدوین و توسعه حقوق بشردوستانه، جزء به تصویب مقرراتی اندک در مورد مخصصات داخلی رضایت ندهند. این نگرانی از عبارت آخر ماده ۳ مشترک نیک پیدا است. هدف از درج این عبارت در پایان ماده ۳، متعادل کردن نتایج احتمالی جمله ابتدای ماده است که اصطلاح طرفین متخاصم را به کار برده است. همین نگرانی باعث شده تا شبیه همین عبارت، یعنی بی‌اثر کردن اجرای مقررات بر وضعیت متخاصمان، در پروتکل دوم الحاقی ۱۹۹۹ به کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی ۱۹۵۴ لاهه هم بیان گردد.<sup>۱</sup>

البته برخی اعتقاد دارند که شخصیت حقوقی بین‌المللی داده شده به این گروه‌ها نتیجه اقدام آمریکا علیه تروریسم جهانی بوده است که منتهی به اعطای وضعیت طرف متخاصم به شبه نظامیان شد. از سوی دیگر می‌توان گفت که این شناسایی بیش از هر چیز از خود ماده ۳ مشترک آغاز شد که برای شورشیان صلاحیت انعقاد موافقتنامه‌های مخصوص با مقامات حکومتی را به رسمیت می‌شناسد، حکومتی که با آن در حال جنگ هستند.<sup>۲</sup>

پس این قابلیت برای شورشیان شناخته شد که بتوانند به‌طور یک‌جانبه اعلام تعهد به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه نمایند؛ همانند اقدامات یک‌جانبه دولت‌ها که منشأ حق و تکلیف برای آنها می‌شود، این اعلام تعهد یک‌جانبه برای گروه‌های شورشی حقوق و تکالیفی را به بار می‌آورد. همچنین، عرضه خدمات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را به طرف متخاصم که در ماده ۳ مشترک پیش‌بینی شده است و کمک به شورشیان در اجرای ماده ۳۲ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی ۱۹۹۹، که توسط کمیته حمایت از اموال فرهنگی در زمان متخاصم انجام می‌شود، می‌توان به نوعی شناسایی عملی شورشیان توسط این دو کمیته تشبیه

۱. ممتاز، جمشید و رنجریان، امیرحسین؛ همان، ص ۱۶۷.

2. Heinze, Eric A. (2007), "Law of Armed Conflict", paper presentation at the International Studies Association Annual meeting ,p 3.

کرد. در نتیجه، شورشیان با متعهد کردن خود در برابر حکومتی که با آن به نبرد پرداخته‌اند، نوعی (شخصیت حقوقی کارکردی) کسب می‌کنند. در واقع، یک قسم شناسایی ضمنی به‌عنوان طرف متخاصم و در حال جنگ که آثار کاملاً مشخص و محدودی دربردارد.<sup>۱</sup>

پس با همه این احوال باید گفت که شورشیان، حقوق بشردوستانه را رعایت می‌کنند تا در جامعه بین‌المللی مشروعیت آنها به‌عنوان دولت در حال شکل‌گیری که به حقوق و آزادی‌های فردی احترام می‌گذارد، شناخته شود.<sup>۲</sup> از سوی دیگر پروتکل دوم الحاقی تعهدی یک‌جانبه نیز بر دوش دولت یا شورشیانی که پیروز می‌شوند و حکومت را در دست می‌گیرند، نسبت به طرف مقابل ایجاد می‌کند؛ به این شرح که در بند ۵ از ماده ۶ بیان می‌دارد که حاکمان در رأس قدرت باید در پایان مخاصمه تمامی تلاش خود را برای عفو افرادی که در مخاصمه شرکت کرده‌اند را به کار گیرند.<sup>۳</sup>

حال در خصوص نیروهای معارض غیرتروریستی در سوریه که اکثریت آنها دارای ملیت سوری هستند و بحث تطبیق وضعیت آنها از جهت شناسایی به‌عنوان یک گروه مسلح شورشی مخالف با دولت مرکزی و با توجه به وقوع مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی در آن کشور با توجه به بررسی اسناد موجود می‌بایست گفت:

۱. از مارس ۲۰۱۱ تعداد اندک ولی رو به رشدی از پرسنل ارتش و نیروهای امنیتی سوریه ناراضیتی خود را از دولت اعلام کردند.
۲. در ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۱ ارتش آزاد سوریه به ریاست سرهنگ ریاض الاسعد اعلام موجودیت کرد.
۳. در اواخر سال ۲۰۱۱ نیروهای دولتی مجبور به عقب‌نشینی از بخش‌هایی از حمص، ادلب و ریف دمشق می‌گردند و این مناطق به کنترل مخالفین درمی‌آید.

۱. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین؛ همان، ص ۱۶۸.

2. Stanton, Jessica (2005), "With International Law of war During Civil War", paper presented at the Annual meeting of the International Studies Association, Hilton Hawaiian village, Honolulu, Hawaii, March, p 20.

۳. ضیایی، سید یاسر؛ تأملی بر وضعیت شورشیان در حقوق بشردوستانه بین‌المللی، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۵، ش ۱۷، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۵۰.

۴. سوریه در آوریل ۲۰۱۲ قطعنامه ۲۰۴۲ شورای امنیت مبنی بر ورود ناظران بین‌المللی بر آتش‌بس را می‌پذیرد.
۵. در برخی از مناطق و شهرها، ارتش آزاد سوریه مبادرت به تشکیل شوراهای نظامی محلی نمود.
۶. در بهار ۲۰۱۲ کنترل بخش‌هایی از حلب به دست ارتش آزاد افتاده و این مناطق تحت کنترل تا مرز ترکیه ادامه می‌یابد.
۷. در اوائل ماه مه ۲۰۱۲ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حمص و ادلب وضع را در آستانه یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی اعلام می‌کند.<sup>۱</sup>
۸. در ژوئن ۲۰۱۲ معاون دبیرکل سازمان ملل برای عملیات حفظ صلح اظهار می‌دارد که موقعیت سوریه یک مخاصمه مسلحانه داخلی است.<sup>۲</sup>
۹. آقای بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۲ تأیید کرد که سوریه در حال جنگ است.
۱۰. کمیسیون بین‌المللی تحقیق و تفحص در مورد جمهوری عربی سوریه در گزارش به شورای حقوق بشر سازمان ملل در ۱۵ اوت ۲۰۱۲ اعلام می‌دارد که سوریه در آستانه یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی است.
۱۱. کمیسیون مزبور در گزارش فوریه ۲۰۱۲ وقوع یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی در جمهوری عربی سوریه را تأیید می‌کند.<sup>۳</sup>
- بنابراین وقوع یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی از اواسط سال ۲۰۱۱ در سوریه مسجل می‌باشد و با توجه به شکل‌گیری گروه‌های مخالف مسلح و شناسایی آنها به‌عنوان نمایندگان حقیقی و مشروع مردم سوریه توسط ۱۰۰ دولت عضو ائتلاف گروه دوستان سوریه در حقیقت تحقق ماده ۳ مشترک و ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ ژنو است. از طرفی همان‌گونه که

1. Rulac (Rule of Law in Armed conflicts Syria), Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights, 13 July 2014, p 1, <http://www.geneva-academy.ch/Rulac>.

2. Ibid.

3. Arimatsu, Louise, Choudhury, Mohbuba, "The Legal Classification of the Armed Conflict in Syria, Yemen and Libya at International Law" Chatham House, March 2014, pp 7-19.

پیش‌تر گفته شد پذیرش قطعنامه‌های ۲۰۴۲ و ۲۰۴۳ آوریل سال ۲۰۱۲ شورای امنیت، توسط دولت سوریه و موافقت با ورود ناظران بین‌المللی که با هماهنگی و پشتیبانی اتحادیه عرب برای نظارت بر آتش‌بس به سوریه اعزام شدند و همچنین موافقت آن دولت برای اجرای بند ۶ قطعنامه که به موجب آن مقرر می‌شود تا هرچه سریع‌تر کمک‌های بشردوستانه به مناطق آسیب دیده ارسال گردد و از همه مهم‌تر اینکه وقتی دولت سوریه قطعنامه را می‌پذیرد به طریق اولی وجود یک مخاصمه مسلحانه را در حوزه قلمرو سرزمینی خود تأیید می‌نماید.

اما یکی از شرایط مهم برای احراز شمول مفاد پروتکل دوم الحاقی به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، تعهد و قدرت گروه مسلح شورشی نسبت به اجرای مفاد آن پروتکل می‌باشد. ارتش آزاد سوریه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های نظامی مخالف سوری شناخته شده که در این زمینه پس از تشکیل و اعلام موجودیت اصول و مبادی خود را اعلام نمود که اهم آن عبارت است از:

۱. متعهد بودن عناصر این گروه به اجرای اصول و مقررات مربوط به حقوق بشردوستانه و به‌ویژه حمایت از شهروندان و اهداف غیرنظامی.
  ۲. تلاش برای براندازی نظام در سوریه.
  ۳. محافظت از میراث فرهنگی و تمدنی سوریه.
  ۴. محافظت از اموال عمومی و جلوگیری از غارت و چپاول آن.<sup>۱</sup>
- اما باید اظهار داشت آنچه که مورد ادعای این گروه یا سایر گروه‌های مخالف مسلح می‌باشد به حتم به منزله تأیید اقدامات آنها و تعهدشان نسبت به رعایت موازین حقوق بشری و به‌خصوص رعایت قواعد حقوق عرفی و حقوق عهدنامه‌ای مربوط به حقوق بشردوستانه در طول درگیری‌های نظامی در سوریه نمی‌باشد.

---

۱. ارتش آزاد سوریه چه کسانی هستند؟، مقاله درج شده در سایت پرسمان دانشجویی وابسته به دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۹۴/۸/۲۴، بدون کد خبر، نشانی سایت: [www.porseman.ir](http://www.porseman.ir) تاریخ مراجعه به سایت: ۱۵ آبان ۱۳۹۴.

اما سایر گروه‌هایی که با مشی گروه ارتش آزاد سوریه (جیش الحر) به نحوی همخوانی دارد عبارتند از: جیش الاسلام، برخی از دسته‌ها و واحدهای جبهه اسلامی آزادی‌بخش سوریه از قبیل: گروه عقاب‌های شام، گردان الفتح که در منطقه باب الهوی به ارتش آزاد کمک می‌نموده و از مخالفین گروه داعش است، گردان احفاد الرسول که بخش زیادی از نیروهای آن به داعش پیوستند، کمیته زره‌های انقلاب، گروه وحدت ملی که شامل مخالفین علوی و مسیحی بوده و در بخش‌هایی از درعا و دیرالزور فعال می‌باشند، جبهه حمایت مناطق کرد نشین که بیشتر با گروه‌های جبهه‌النصره و داعش و انصارالمهاجرین که ماهیتی تروریستی دارند، درگیر می‌باشد.<sup>۱</sup>

البته در جغرافیای نظامی در سوریه شهر دمشق به‌عنوان یک استان مستقل و استان‌های ریف دمشق، بخش‌هایی از استان حلب در شمال کشور، لاذقیه، طرطوس، قنیطره، درعا، ادلب، درگیری میان ارتش آزاد و هم‌پیمانان او با نیروهای نظامی دولت سوریه در جریان است. و در برخی از مواقع همچون استان ادلب حدود ۷۰ درصد و شاید بیشتر در اختیار این گروه قرار دارد. این مناطق به‌ویژه در ادلب، طرطوس، لاذقیه، قنیطره، درعا و ریف دمشق و محلاتی از شهر دمشق همچون جویر، زملکا، القدم در اختیار جیش الحر بوده و اصولاً نیروهای وابسته به داعش یا جبهه‌النصره و زیر شاخه‌های آن حضور ندارند.

در عین حال که گروه‌های تروریستی کنترل دو استان دیرالزور (به جزء شهر دیرالزور) و رقه را کاملاً در دست داشته و در باقی استان‌ها به جزء آنهایی که در کنترل ارتش آزاد سوریه است؛ در بخش‌هایی کنترل را عهده‌دار بوده و با گروه ارتش آزاد و هم‌زمان با گروه‌های کرد و ارتش سوریه و شبه نظامیان وفادار به حکومت در جنگ قرار دارند.

اصولاً دولت‌ها از شناسایی شورشیان به دلیل اعمال حاکمیت در قلمرو سرزمینی خود طفره می‌روند، گرچه این روال پس از پایان جنگ سرد در دهه ۹۰ میلادی کم‌رنگ‌تر شده است، ولی در کل آنها دیگر تعیین‌کننده‌نهایی در این زمینه نمی‌باشند، بلکه خط و مشی اعلامی توسط گروه‌های شورشی مخالف و تعهد آنها به اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قبل آن، اعلام

۱. معرفی تمام گروه‌های مسلح و تروریستی فعال در سوریه، به نقل از پایگاه خبری تحلیلی سخن آنلاین، ۹۳/۲/۲۲، کد خبر: ۲۲۹۷۶ به آدرس: [www.sokhanonline.ir](http://www.sokhanonline.ir) تاریخ مراجعه به سایت: ۱۵ آبان ۱۳۹۴.

موجودیت و برخورداری از تشکیلات سازمان‌دهی شده و داشتن فرماندهی مسئول و تشکیلات منسجم که در مقوله معیار سازمان یافتگی طرفین متخاصم، که هم از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در برخی قضاایا مورد توجه واقع شده و هم در رویه قضایی بین‌المللی اتخاذ شده توسط دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه فاطمیر لیمای ( Fatmir Limaj Case) و در قضیه میلوسویچ بیان گردیده<sup>۱</sup>، از یک سو تعیین کننده است. شناسایی این گروه‌ها به تروریستی یا غیرتروریستی بستگی به رویه دولت‌ها و مهم‌تر از آن رویه عملی اتخاذ شده توسط شورای امنیت در قالب قطعنامه‌های صادره دارد. در اینکه ارتش آزاد سوریه دارای ماهیت غیرتروریستی می‌باشد، در میان پنج عضو دائم شورای امنیت هم اختلافی در این زمینه وجود ندارد و از طرفی بیانیه ۱۴ نوامبر ۲۰۱۵ گروه بین‌المللی حمایت از سوریه در کنار قطعنامه ۲۲۵۴ مورخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۵ شورای امنیت در برشمردن گروه‌های غیرتروریستی و تفکیک آنها از گروه‌های تروریستی نقش عمده و اصلی را ایفا می‌نمایند. مضافاً آنکه در قطعنامه ۲۱۷۸ مصوب ۲۰۱۴ شورا نامی از این گروه به‌عنوان یک گروه تروریستی به میان نیامده است.

## ۲. گروه‌های مخالف با ماهیت تروریستی در سوریه

تروریسم پدیده‌ای است که در دو دهه اخیر مشغله اصلی برای شورای امنیت و همچنین دولت‌های درگیر بوده است. آنچه که پس از جنگ سرد شاهد آن در این زمینه هستیم، رشد تروریسم بین‌المللی می‌باشد که در گزارش هیئت مأمور از سوی دبیرکل وقت سازمان ملل در سال ۲۰۰۴ برای بررسی نتایج کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت، از آن به‌عنوان یکی از ۶ تهدید بین‌المللی یادشده که صلح و امنیت بین‌الملل را به خطر می‌اندازد.<sup>۲</sup>

۱. هنجی، سیدعلی و شفیعی بافتی، نگین؛ همان، صص ۳ و ۳۱.

2. S/RES/2254, 18 December 2015.

۳. فلسفی، هدایت اله؛ صلح جاویدان و حکومت قانون، تهران، انتشارات فرهنگ نو، ۱۳۹۰، صص ۲۳۲.

اجمالاً آنکه شورای امنیت هم پس از قضیه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و صدور قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ در سپتامبر همان سال، بیش از اینکه به وضعیت‌ها و حوادث قابل انتساب به دولت‌ها بپردازد، به پدیداری تروریسم توجه کرده و بر آن متمرکز شده است. تصمیمات شورا در این زمینه نوعی قانون‌گذاری است که برای همه دولت‌ها تعهداتی به وجود آورده است. در صورتی که اگر شورا دست به چنین کاری نمی‌زد، بسیاری از دولت‌ها حاضر نمی‌شدند از طرق دیگر خود را در بند چنین تعهداتی گرفتار سازند.<sup>۱</sup> البته به نظر می‌رسد که عبارت قانون‌گذاری برای مصوبات شورای امنیت با توجه به مفاد منشور و اصول حاکم بر مقررات بین‌المللی صحیح به نظر نرسد بلکه مصوبات آن شورا را می‌توان یک سلسله مقررات آمره دانست نه قانون.

دلیل بر درست بودن تصمیم شورای امنیت شاید ناتوانی مجمع عمومی ملل متحد در تصویب کنوانسیون جامع و مستقلی نسبت به تعریف تروریسم و موارد مرتبط با آن باشد، گرچه تاکنون سیزده کنوانسیون از سال ۱۹۶۳ تا سال ۲۰۰۵ به تصویب رسیده که در حقیقت، اقدام به تعریف و جرم‌انگاری مصادیق مهم و مبتلا به تروریسم در جامعه بین‌المللی است.<sup>۲</sup>

به جزء کنوانسیون سرکوب تأمین منابع مالی تروریسم مصوب ۱۹۹۹ که به تعریف کلی از تروریسم پرداخته، دیگر کنوانسیون‌ها تعریف کلی عرضه نکردند، ولی متفقا عملیات تروریستی و پدیده تروریسم را شدیداً محکوم نموده و اما بزرگ‌ترین نقطه اشتراک همه این کنوانسیون‌ها، بیان این مطلب می‌باشد که تروریسم به‌عنوان مخل صلح و امنیت بین‌المللی و تهدیدی برای بشریت معرفی شده و محکوم است.

شورای امنیت قطعنامه‌های متعدد دیگری در زمینه تروریسم و عملیات تروریستی پس از سال ۲۰۰۱ به تصویب رسانده، که در تعریف تروریسم مهم‌ترین قطعنامه، بند ۳ قطعنامه ۱۵۶۶ مصوب ۸ اکتبر ۲۰۰۴ می‌باشد، که برای اولین بار به تعریف تروریسم می‌پردازد، به این شرح که: اعمال کیفی، شامل اعمالی که با قصد سلب حیات یا ابراد جراحی جسمانی شدید علیه

۱. همان، صص ۲۴۶ و ۲۴۷.

۲. عبداللهی، محسن؛ **تروریسم-حقوق بشر و بشردوستانه**، تهران، انتشارات شهردانش، ۱۳۸۸، صص ۶۴.

غیرنظامیان ارتکاب می‌شود، یا گروگان‌گیری که با هدف تولید جو وحشت عرصه عمومی یا در میان گروهی از اشخاص یا افراد خاصی و با ارباب یک جمعیت یا وادار ساختن یک حکومت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا ترک فعلی صورت پذیرد، همان‌طور که توسط کنوانسیون‌های بین‌المللی و پروتکل‌های مربوط به تروریسم تعریف شده، عمل مجرمانه‌ای بوده و تحت هیچ شرایطی به موجب ملاحظات سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، نژادی، اخلاقی، مذهبی یا دیگر ملاحظات مشابه قابل توجیه نیستند.<sup>۱</sup>

این تعریف بسیار نزدیک با تعریف مندرج در کنوانسیون جامع علیه تروریسم و همچنین تعریف مندرج در کنوانسیون سرکوب منابع مالی تروریسم بوده و در هر حال باید به این نکته توجه کرد که، اولاً: این تعریف پس از تعاریف مندرج در کنوانسیون‌های فوق و در حقیقت متأثر از آنها می‌باشد. ثانیاً: لازم‌الاجرا است، زیرا، به موجب قطعنامه شورای امنیت در ذیل فصل هفتم منشور وضع گردید.<sup>۲</sup>

با طرح بحث مقدماتی فوق باز می‌گردیم به سوریه، به‌طور قطع سه گروه مسلح تروریستی در درگیری‌های نظامی سوریه به‌عنوان شاخصه سایر گروه‌های تروریستی حضور دارند که در قطعنامه‌های ۲۱۶۱، ۲۱۷۰ و ۲۱۷۸<sup>۳</sup> سال ۲۰۱۴، همچنین ۲۲۴۹<sup>۴</sup> و ۲۲۵۴ سال ۲۰۱۵ شورای امنیت مورد شناسایی قرار گرفته‌اند که شامل: القاعده، جبهه‌النصره و گروه دولت اسلامی عراق و شام می‌باشند. در حقیقت گروه تروریستی القاعده پدر معنوی این گروه‌ها و سایر دسته‌های زیر مجموعه آن دو گروه اصلی می‌باشد.

۱. همان، ص ۷۰.

۲. همان، ص ۷۱.

3. S/RES/ 2162, 17 June 2014.

4. S/RES/ 2170, 15 August 2014 .

5. S/RES/ 2178, 24 September 2014.

6. S/RES/ 2249, 20 November 2015.



مضافاً آنکه به موجب قطعنامه شماره ۲۲۶۸ مصوب ۲۶ فوریه ۲۰۱۶ شورا موسوم به قطعنامه برقراری آتش‌بس در سوریه دو گروه تروریستی داعش و جبهه‌النصره و واحدهای تابعه آنها از شمول اجرای مقررات آتش‌بس مستثنا گردیده‌اند که در حقیقت با این قطعنامه گروه ارتش آزاد سوریه و واحدهای همسو با آن به‌طور علنی و مستقیم مورد شناسایی شورای امنیت قرار گرفته و همچنین قطعنامه اخیر مورد تأیید و قبول دولت جمهوری عربی سوریه واقع شده است.

به‌ویژه آنکه در قطعنامه ۲۱۳۹ مصوب ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ شورای امنیت که در دو بخش، یکی در باب تسهیل کمک‌های بشردوستانه و دیگری در باب تروریسم در قضیه سوریه به تصویب رسیده صراحتاً نفی تروریسم به‌طور مطلق مورد تأکید قرار گرفته و از هر دو طرف درگیر (دولت و مخالفان مسلح) می‌خواهد که آنها هم در مبارزه علیه گروه‌های تروریستی متعهد باشند.<sup>۳</sup>

اولین بار در سال ۲۰۱۲ گروه جبهه‌النصره در حین درگیری میان دولت سوریه با ارتش آزاد سوریه اعلام موجودیت نموده و وارد صحنه می‌شود، سپس گروه داعش پا به عرصه می‌گذارد. قابل توجه آنکه درگیری این گروه‌های معارض تروریستی با گروه‌های مسلح مخالف دولت سوریه در قالب یک مخاصمه مسلحانه داخلی یا همان غیر بین‌المللی قابل تعریف و توصیف است که در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به آن تصریح شده است.

از سویی نبرد آنها با نیروهای دولتی سوریه هم می‌تواند در قالب تعریف مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی در ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ بررسی شود. زیرا، مخاصمات صورت‌گرفته با توجه به معیارهای احراز یک مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی قابل انطباق است. معیارهایی چون طولانی بودن مدت مخاصمه، دارا بودن تشکیلات سازمان‌دهی شده و فرماندهی مسئول، شدت درگیری‌ها و تسلط بر بخشی از قلمرو سرزمینی دولت درگیر و بالاخره قدرت برنامه‌ریزی و انجام عملیات نظامی مداوم و مستمر.

1. S/RES/ 2268, 26 February 2016.

2. S/RES/ 2139, 22 February 2014.

۳. توکلی طبسی، علی و منصور، فرنگیس؛ "تعهد و التزام متخاصمین به قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمه داخلی سوریه"، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال ۳۲، ش ۵۲، بهار-تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۶۶.

امروز لاقلاً بخش‌هایی از کشور سوریه در اختیار کامل این گروه‌ها قرار دارد، اما یک معیار مهم که اجرایش اصولاً در قاموس این گروه‌ها نمی‌گنجد و آن چیزی جز تعهد و اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیست. بحث ما در اینجا صرف‌نظر از اجماع حاصل شده بین‌المللی مبنی بر عدم اعمال قواعد حقوق عرفی و مقررات حاکم بر حقوق معاهده‌ای در زمینه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌باشد و صرفاً به بحث حقوقی در این زمینه می‌پردازد.

آیا می‌توان نیروهای این گروه را رزمنده یا غیرنظامی متخاصم محسوب کرد؟ رزمنده کسی است که مستقیماً در مخاصمات شرکت کرده و می‌تواند جزء نیروی نظامی طرف جنگ در نظر گرفته شود. اگرچه این تعریف الهام گرفته از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به‌ویژه کنوانسیون سوم پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ است، ولی واقعیت آن است که هیچ‌کدام از این اسناد تعریفی از رزمنده به دست نمی‌دهند. این اسناد به جای تعریف رزمنده اقدام به احصاء افرادی نموده‌اند که می‌توانند رزمنده محسوب شوند.<sup>۱</sup>

در ماده ۱ ضمیمه کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ در خصوص مقررات راجع به قوانین و عرف‌های جنگ زمینی، شبه نظامیان و گروه‌های داوطلب را با احراز ۴ شرط رزمنده معرفی می‌کند: ۱. فرماندهی آنها به عهده شخصی باشد که مسئول اشخاص تحت فرماندهی خود باشد. ۲. دارای نشان مشخص و ثابتی بوده که از دور قابل تشخیص باشد. ۳. حمل سلاح به‌طور آشکار. ۴. عملیات خود را طبق قوانین و عرف جنگ انجام دهند.

کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو، در ماده ۴ مفهوم رزمنده در کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ لاهه را قدری توسعه داده و می‌گوید: ...اعضای سایر شبه نظامیان و اعضای سایر دسته‌های داوطلب به انضمام اعضا نهضت‌های مقاومت متشکل متعلق به یک دولت متخاصم که در داخل یا خارج خاک خود مشغول عملیات باشند ولو آنکه خاک مزبور اشغال شده باشد مشروط به اینکه چریک‌ها یا دسته‌های داوطلب و نهضت‌های مقاومت متشکله جامع شرایط زیر باشند ... (همان شروط چهارگانه در کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷) اسیر جنگی تلقی می‌شوند. اما نکته ظریف اینجا

۱. عبداللهی، محسن؛ همان، ص ۳۰۲.

است که هیچ‌یک از گروه‌های تروریستی درگیر در سوریه توسط دولتی مورد شناسایی واقع نشده و در حقیقت این گروه‌ها به پشتیبانی هیچ دولتی از خود لااقل به‌طور علنی مستظهر نمی‌باشند. اما در مقابل مواد ۴۳ و ۴۴ از پروتکل اول الحاقی، تفکیک ماده ۴ کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو را از میان برداشته، بنابراین صرف داشتن نیرویی منظم و دارا بودن فرماندهی واحد و مسئول بدون آنکه بحث به رسمیت شناختن آن از سوی دولت درگیر مطرح باشد، واجد اعطای وضعیت رزمندگی خواهد بود. از طرف دیگر به موجب بند ۲ ماده ۴۴ همان پروتکل عدم رعایت قواعد حقوق بین‌الملل در زمینه مقررات عرفی و عهدنامه‌ای حاکم بر مخاصمات مسلحانه موجبات عدم شناسایی آنها به‌عنوان رزمنده را فراهم نمی‌سازد.<sup>۱</sup>

گروه‌های داعش و جبهه‌النصره از قضا هم دارای فرمانده و هم دارای سلسله مراتب و سازمان‌دهی منسجم نظامی بوده و هم دارای پرچم مشخصه می‌باشند و از سلاح‌های سبک و سنگین به نحو آشکار در میدان نبرد استفاده می‌نمایند. البته باید به یاد داشت که مقررات پروتکل اول الحاقی به جزء نیروهای مسلح دولتی درگیر صرفاً شامل نیروهای مبارز در قالب ارتش‌های ضد اشغالگری، آزادی بخش و ضد نژادپرستی می‌شوند و ابتدا سخنی از نیروهای منظم یا غیرمنظم وابسته به گروه‌های تروریستی در میان نیست.

در حقیقت نبردهای مسلحانه مندرج در پروتکل اول الحاقی آنجا که مربوط به مضمولین بند ۴ ماده ۱ آن می‌گردد بیانگر جنگ نامتقارن است، درحالی‌که در حقوق لاهه آنچه مدنظر بوده جنگ متقارن می‌باشد. بنابراین در جنگ‌های نامتقارن آنچه که مهم است هدف از انجام درگیری مسلحانه است نه روش پیگیری آن برای احراز قانونی بودن درگیری و اینکه چه کسی، باید و یا نباید از امتیازات حقوق جنگ بهره‌مند شود، تعیین‌کننده در نظر گرفته شده است.<sup>۲</sup>

در ردیف (د) ذیل بند ۲ از ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی هم صرفاً به ممنوعیت اعمال تروریستی و بند ۲ ماده ۱۳ به ممنوعیت حمله تروریستی به جمعیت غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه غیر

۱. عبداللهی، محسن؛ همان، صص ۳۱۰ و ۳۱۱.

2. Reisman, Michael, "After Shock: Reflections on the Implications of September 11", Yale Human Rights and Development Law Journal, Vol.6, 2003, p 97.

بین‌المللی اشاره شده است، نه به حقوق اعضای گروه‌های تروریستی شرکت‌کننده در مخاصمه مسلحانه مزبور.

همان‌گونه که قبلاً گفته شد جنگ با دول ثالث شرکت‌کننده در عملیات ضد تروریستی و در اجرای قطعنامه شورای امنیت در سوریه و عراق است. از آنجا که اقدامات تروریستی صراحتاً در قطعنامه‌های شورا تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد، حال با هر توجیهی که دولت‌ها مواضع آنها را مورد حمله نظامی قرار می‌دهند که یا در قالب دفاع مشروع جمعی می‌خواهد باشد یا عملیات حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی که در قالب مواد ۴۱ و ۵۱ منشور ملل متحد می‌گنجد، به تعبیر دولت‌ها یک جنگ علنی علیه پدیده تروریسم بین‌المللی آغاز شده است.

هرچند گروه‌های مذکور عرفاً و قواعد مربوط به مقررات حاکم بر حقوق مخاصمات مسلحانه و در نهایت حقوق بشردوستانه را نه تنها مراعات نمی‌کنند بلکه اصلاً اعتقادی به آن ندارند، لکن نمی‌توان آنها را بی‌بهره از حقوق دانست. زیرا، همان‌گونه که بیان شد هیچ وضعیت میانه‌ای در حقوق بشردوستانه وجود ندارد مبنی بر اینکه فرد شرکت‌کننده در عملیات نظامی نه نظامی است و نه غیر نظامی؛ به عبارت دیگر، انکار وضعیت رزمنده و اسیر جنگی نسبت به تروریست‌ها آنها را از حیث حقوقی محجور نمی‌کند. در این صورت آنها عنوان غیرنظامی خواهند داشت که تحت حمایت کنوانسیون چهارم ژنو قرار خواهند گرفت.<sup>۱</sup>

البته می‌بایست میان وضعیت گروه تروریستی داعش در مخاصمه سوریه با وضعیت طالبان و القاعده در افغانستان تفاوت‌هایی قائل شد. اولاً: طالبان بر افغانستان کنترل و حاکمیت داشته و القاعده در این کشور حضور داشته و حکومت طالبان در برابر قطعنامه‌های شورای امنیت در سال ۲۰۰۱ از استرداد یا تحویل آنها خودداری کرده بود، در حقیقت طالبان حمایت صریح و علنی از گروه القاعده می‌نماید. ثانیاً: حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ منتسب به طالبان نبود بلکه توسط القاعده

1. Gasser, Hans Peter, "Act of Terror, Terrorism and in International Humanitarian Law", International Review of Red Cross, Vol.84, No.487, Sep. 2002, p 568.

انجام شده بود و اصولاً هم فاقد تشکیلات حکومتی بوده، گرچه طالبان به نوعی تحت امر این گروه قرار داشت.

اما در قضیه سوریه اولاً: دولت سوریه نه حمایتی از این گروه‌های تروریستی نموده و نه هیچ دولت دیگری اعلام حمایت از گروه داعش یا سایر گروه‌های تروریستی کرده است. گرچه حمایت‌های اولیه از ناحیه دولت‌های مخالف آقای بشار اسد، تا قبل از افشای ماهیت ضدبشری این قبیل گروه‌ها بوده و اصولاً مدرک معتبری دایر به حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و لجستیکی، لااقل از زمان صدور قطعنامه ۲۱۷۸ مصوب ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴ شورای امنیت، در این خصوص افشا و ابراز نشده است.

البته ذکر این نکته خالی از لطف نخواهد بود که یکی از گروه‌های تروریستی در صحنه جنگ و منازعه در سوریه گروه تروریستی توحید و انصار است که مشتمل بر ۶ تا ۷ هزار جنگجوی قفقازی به‌ویژه چچنی می‌باشد که اکثر اقدامات سیوعانه و هول‌انگیز ضد بشری در سوریه توسط آنها صورت می‌پذیرد. بیشتر اعضای این گروه سابقه درگیری و منازعه مسلحانه با دولت جمهوری فدراتیو روسیه در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و یا در جنگ بوسنی-هرزگوین علیه صرب‌ها را دارند. لذا تخمی که روس‌ها در سال‌های بعد از فروپاشی و سرکوب مسلمانان چچنی کاشتند، قریب به ۲۰ سال بعد در سوریه درو کردند.

ثانیاً: برخلاف گروه القاعده در افغانستان، گروه داعش اعمال حاکمیت سیاسی هم می‌نماید، به نحوی که آن را به جرأت می‌توان یک شبه دولت به حساب آورد. زیرا، هم دارای تشکیلات اداری در مناطق تحت کنترل می‌باشد و هم به عزل و نصب فرمانداران، شهرداران، قضات و فرماندهان نظامی خود پرداخته و از سویی قوانین و مقررات حکومتی وضع می‌نماید. و از بعد اقتصادی به تجارت کالا و همچنین فروش نفت خام متعلق به سوریه و عراق به خریداران خارجی البته با قیمتی پایین‌تر از قیمت‌های بازار جهانی مبادرت می‌ورزد.

ثالثاً: با حمله به خاک عراق و گسترش جبهه مبارزات مسلحانه به این کشور موفق به تصرف برخی از استان‌ها و شهرهای غرب و شمال غرب و میانی عراق هم گردیده و عین اعمال حاکمیت سیاسی و اداری و وضع قوانین در سوریه، در عراق هم همان گونه اقدام می‌نماید.

بنابراین نمی‌توان در صحنه درگیری و یا پس از شکست و تسلیم شدن جنگجویان منتسب به گروه داعش، هیچ‌گونه حقوقی برای آنها قائل نباشیم، پس این گروه‌ها به‌عنوان گروه‌های مسلح مخالف در مخاصمه سوریه قابلیت شناسایی داشته، گرچه شرایط حاکم بر حقوق مترتب بر آنها، متفاوت از شرایط گروه‌های مسلح مخالف غیرتروریستی تلقی گردد.

## نتیجه‌گیری

در نتیجه و با توجه به مباحث مطروحه در بحث شناسایی بازیگران غیردولتی در درگیری‌های نظامی سوریه باید گفت که مخاصمه در سوریه ماهیتاً در قلمرو سرزمینی یک دولت میان گروه‌های مسلح مخالف با دولت مرکزی و همچنین مابین این گروه‌ها با یکدیگر در جریان است، لذا با یک مخاصمه ذاتا غیر بین‌المللی روبه‌رو بوده و ماده ۳ مشترک در وهله اول به‌عنوان اساس کار مدنظر می‌باشد.

لکن عدم شناسایی گروه‌های مخالف توسط دولت سوریه نمی‌تواند موجب نفی و تکذیب وجود این نوع مخاصمه و به تبع آن گروه مسلح مقابل دولت مرکزی گردد. زیرا، زمانی که دولت درگیر، قطعنامه شورای امنیت را در باب آتش‌بس یا اجازه کمک‌های بشردوستانه به منطقه درگیری از طریق کمیته بین‌المللی صلیب سرخ یا سایر نهادهای امدادی را می‌پذیرد؛ به نوعی وجود طرف مقابل در درگیری را به رسمیت می‌شناسد. زیرا، همواره درگیری‌های نظامی لاقلاً دارای دو طرف است.

لهذا با توجه به صدور قطعنامه شماره ۲۰۴۲ سال ۲۰۱۲ شورای امنیت و اعزام ناظران بین‌المللی بدون سلاح برای نظارت بر آتش‌بس و اجازه ورود کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای خدمات بشردوستانه از ناحیه دولت سوریه و همچنین استقبال و پذیرش قطعنامه‌های ۲۲۵۴ مصوب دسامبر ۲۰۱۵ و ۲۲۶۸ مصوب فوریه ۲۰۱۶ شورای امنیت، توسط نماینده آن کشور در سازمان ملل متحد بیانگر نوعی شناسایی گروه‌های مسلح مخالف حاضر در صحنه درگیری‌های نظامی آن کشور می‌باشد. مضافاً اینکه به موجب بند نهم قطعنامه ۲۲۵۴ احصای گروه‌های غیر تروریستی از تروریستی به دولت اردن سپرده شده است.

اما موضوع مهم اینجا است که نسبت به گروه‌های تروریستی یادشده در قطعنامه‌های شورای امنیت در قضیه سوریه از حیث سیاسی یک اجماع بین‌المللی در عدم برخورداری آنها از حقوق مقرر در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آن وجود دارد، لکن از حیث حقوقی این صراحت وجود ندارد. زیرا، تمامی اسناد بین‌المللی حاکی از برخورداری همه انسان‌ها از حقوق بشردوستانه است. اگرچه اقدامات سبوعانه و فاجعه‌بار این گروه‌ها در سوریه به هیچ‌وجه قابل اغماض نیست، لکن این موضوعات نافی حقوق اولیه آنها وفق ماده ۳ مشترک و ماده ۷۵

پروتکل اول الحاقی در زمانی که تسلیم شده و سلاح بر زمین می‌گذارند یا به واسطه جراحت و بیماری قادر به جنگیدن نیستند، نمی‌باشد.

به هر حال، شناسایی شورشیان به‌عنوان بازیگران غیردولتی موجب به وجود آمدن آثار حقوقی از جمله لزوم رعایت مقررات و موازین حقوق بشری و حقوق بشردوستانه توسط آنها حین درگیری‌ها و مخاصمات گردیده که می‌تواند از گسترش خشونت‌های مفرط و نقض سیستماتیک و مکرر حقوق بنیادین انسان‌ها به نحوی جلوگیری یا لاقط سرعت آن را کم نماید.



## فهرست منابع

## الف) فارسی

۱. توکلی طیبی، علی و منصوری، فرنگیس؛ **تعهد و التزام متخاصین به قواعد حقوق بشردوستانه در مخاصمه داخلی سوریه**، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ش ۵۲، صص ۱۵۹ الی ۲۰۴.
۲. رضائی قوام آبادی، محمد حسین؛ **نقش کمیته صلیب سرخ در تسکین‌گیری یا شناسایی قواعد عرفی مربوط به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی**، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
۳. ضیایی، سید یاسر؛ **جدایی طلبی در حقوق بین‌الملل**، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۲.
۴. ضیایی، سید یاسر؛ **تأملی بر وضعیت شورشیان در حقوق بشردوستانه بین‌المللی**، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۵، زمستان ۱۳۹۱، ش ۱۷، صص ۱۵۸-۱۳۵.
۵. عبداللهی، محسن؛ **تروریسم- حقوق بشر و بشردوستانه**، تهران، انتشارات شهردانش، ۱۳۸۸.
۶. فلسفی، هدایت الله؛ **صلح جاویدان و حکومت قانون**، تهران، انتشارات فرهنگ نو، ۱۳۹۰.
۷. کاسسه، آنتونیو؛ **حقوق بین‌الملل**، به اهتمام: شریفی طراز کوهی، حسین، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱، چ سوم.
۸. ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیر حسین؛ **حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی**، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، چ سوم.
۹. هنجی، سید علی و شفیعی بافتی، نگین؛ **ابعاد حقوقی بین‌المللی مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی**، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.

## ب) لاتین

**A) Book and Articles**

10. Arimatsu, Louise , Chodhury Mohbuba, “The Legal Classification of the Armed Conflict in Syria, Yemen and Libya at International law”, CHatham House, March 2014.
11. Canestaro, Nathan, Small Wars and the Law: Options for Prosecuting the Insurgent in Iraq , Colombia Journal of International Law , No.43,2004.
12. Gasser, Hans Peter, “Act of Terrorism and in International Humanitarian law”, International Review of the Red Cross, Vol. 84, No. 487, 2002.
13. Heinze, Eric .A, Law of Armed Conflict, paper presentation at the International Studies Association Annual meeting, 2009.
14. Lopez, L., “UN Civil War: The Challenge of Applying International Humanitarian Law to Internal Armed Conflict”, New York University Law Review, No. 69, 1994.
15. Moir, Lindsay, “The Law of Internal Armed Conflict”, Cambridge University Press, 2004.
16. Reisman, Michael, “After Shock: Reflections on the Implications of September 11”, Yale Human Rights and Development Law Journal, Vol. 6, 2002.
17. Stanton, Jessica , With International Law of war During Civil War, paper presented at the Annual meeting of the International Studies Association, Hilton Hawaiian village, Honolulu, Hawaii, March 2005.

**B) Reports**

18. ICJ Reports (1949), Corfu Channel Case, (United Kingdom of Great Britain and Ireland v. Albania).
19. ICJ Reports (1986), Case Concerning the Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua. (Nicaragua v. United States).

**C) International Committee of the Red Cross (ICRC)**

20. ICRC, Commentaries on the Common Article Three of Four Geneva Conventions 1949, available at: <http://www.icrc.org/ihl.nsf/com>.

**D) Resolutions**

21. S/RES/2042, 24 April 2012.

22. S/RES/2043, 21 April 2012.
23. S/RES/2139, 22 February 2014.
24. S/RES/2161, 17 June 2014.
25. S/RES/2170, 15 August 2014.
26. S/RES/2178, 24 September 2014.
27. S/RES/2249, 20 November 2015.
28. S/RES/2254, 18 December 2015.
29. S/RES/2268, 26 February 2016.